

آرشوکتب پان ایرانیسم

پایندہ ایران

مکتب پان ایرانیسم

بازگشت به مکتب پان ایرانیسم



از: آژیر

جهان

به ناسیونالیسم آگاه می‌گراید

چاپ اول - خردادماه ۱۳۴۰

چاپ دوم - ۱۳۵۸

تجدید انتشار - آبان ماه ۱۳۷۷

از انتشارات:

« سازمان جوانان » حزب پان ایرانیست

« پایگاه آژیر »

به سوی ناسیونالیسم جهان به ناسیونالیسم آگاه می‌گراید

عصر کنونی، عصر آزادی و استقلال ملت‌هاست. در عصر کنونی، جامعه‌های بشری، به راز زندگی خود واقف‌گشته‌اند. تمام جریان‌ها این حقیقت را آشکار نموده که زندگی آزادانه بشر، جز در واحدهای ملی امکان‌پذیر نیست و زندگی در میان هر ملت باید تابع قوانینی باشد که به موجب آن، موجودیت ملت محفوظ ماند. این است خلاصه‌ای از ناسیونالیسم: «مکتبی که تنها راهنمای مبارزات ملی بوده و خواهد بود» جز این، اتکا به هر نظریه دیگر نادرست است. برای کسانی که در عصر کنونی مبارزات اجتماعی را دنبال می‌کنند، دو مسأله اصلی و اولیه مطرح و مورد توجه است:

۱- آیا اجتماعات بشری دارای قوانینی است که افراد باید تابع آن شوند و یا این که دارای قانون نیست و افراد می‌توانند آینده خود را به هر صورت که می‌خواهند بسازند؟

۲- در صورتی که اجتماعات دارای قانونی است، آن قانون چیست؟

در مورد مسأله اول، تقریباً آراء عموم مطلعان با اختلاف جزئی نزدیک به یکدیگر است و همه معتقدند که اولاً اجتماعات دارای قوانین محکم و نوامیس حتمی است و استعداد جامعه برای پذیرش صورت‌های آتی محدود است، ثانیاً آزاده افراد در سرنوشت آینده آنها مؤثر است مشروط به آن که بتوانند استعداد جامعه را درک کنند و در مسیر حرکت آن گام بردارند.

در مورد مسأله دوم یعنی ماهیت قوانین اجتماعی، افکار و عقاید، متفاوت و گوناگون است که می‌توان گفت از دو راه مختلف به دست آمده است یا به عبارت دیگر، کسانی را که در مورد قوانین اجتماعی نظریاتی دارند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته، کسانی که مطالعه قوانین جامعه، مورد نظر آنها نبوده، بلکه در رشته‌های دیگری تحقیق و تتبع می‌کرده‌اند و سپس نتایجی را که در زمینه مطالعات خود به دست آورده‌اند تعمیم داده، کیفیات اجتماعی را نیز به موجب آن توجیه کرده‌اند. راه این دسته در کشف قوانین اجتماعی، در واقع، تعمیم یک قانون جزئی است. جزئی بدین معنی که از بررسی یک کیفیت اختصاصی که در قبال کل کیفیات، حکم جزء را دارد به دست آمده است. دسته دیگر، برای جامعه،

موجودیت مستقلی قائلند و آن را جداگانه قابل مطالعه می‌دانند و برای مطالعه آن به روش مخصوص معتقدند. حاصل کار این دسته است که علم جامعه‌شناسی را به وجود آورده و لذا راه آنان را می‌توان راه منطقی و علمی (متدولوژیک) دانست و اینک مختصراً به هر یک از این دو راه و نتایجی که به دست آورده‌اند، اشاره می‌کنیم.

۱- تعمیم قوانین جزئی:

قضاوت این گروه درباره جامعه‌شناسی، یک قضاوت علمی نیست، بلکه تعمیم قانونی است که از علوم دیگر به دست آمده و یا به عبارت دیگر، کیفیات اجتماعی را به کمک قوانین علوم دیگر، توجیه می‌کنند. ما می‌دانیم که توجیه هر کیفیتی در صورتی که بوسیله علوم مربوط و طبق روش علمی نباشد، ارزش ندارد و این توجیه، کار علمی نیست، بلکه جنبه فلسفی می‌تواند داشته باشد، چه در فلسفه کیفیات بسیاری را توجیه می‌کنند بی آنکه به مبانی علمی آن کیفیات آگاه باشند. مثلاً ارسطو، افتادن سنگ را به زمین و رفتن دود را به هوا بر حسب مشرب فلسفی خود توجیه می‌کرد و هر چند آن توجیه دلپذیر است، اما ارزش علمی ندارد. توجیه قوانین جامعه‌شناسی، نیز چنان که از غیر طریق علمی باشد ارزش ندارد چه بسا قوانین اصلی که با روش صحیح به دست آمده، تغییر و تکامل یافته ولی تعمیم آن یعنی توجیهاتی که جنبه فلسفی دارد، کماکان

مورد به بعضی قرار می‌گیرد و آن را معتبر می‌دانند.

در جامعه‌شناسی غیرازکسانی که به جنبه علمی این دانش اعتقاد دارند و بزای آن از علوم دیگر، قانون قرض نمی‌کنند عده دیگری نیز هستند که از راه تعمیم یک قانون جزئی به معنی قوانین اجتماعی رسیده‌اند و معروفترین آنها پسیکولوژیست‌ها (روانشناسان) و اکونومیست‌ها (اقتصاد دان‌ها) هستند. در میان پسیکولوژیست‌ها، فروید و مکتب او، معرف‌تر از همه می‌باشد. تحقیقات اصلی فروید، در پسیکیاتری (تداوی روحی) بود و او در آن زمینه، به قوانینی برخورد، در اواخر عمر، این قوانین را ناگهان تعمیم داد و دست به تعبیر و توجیه تاریخ بشر و تعیین سرنوشت آتی او زد و جمعی از این تعبیرات فلسفی، استفاده سرشار بردند. بررسی‌های علمی فروید پس از او از طرف دانشمندانی مانند آدلر و یونگ آنچنان که شایسته مقام علم است، تعقیب گردید و هنوز نیز بوسیله دانشمندان بسیاری، تحقیق و تتبع در این باره ادامه دارد ولی هنوز جنبه فلسفی و عمومیت یافته نظریات فروید همچنان بازیچه نیازمندان است. از میان اکونومیست‌ها، مشهورتر از همه، مارکس، هم نژاد فروید است. مارکس، حاصل مکاتب فلسفی آلمان و اقتصادی انگلیس و اجتماعی فرانسه را با هم درآمیخت و شیره خوی و خصال ذاتی خود را بدان افزود تا یک ایده آل قومی یهود را به صورت یک آرزوی بشری تجسم بخشید. تحقیقات اصلی او

در اقتصاد راجع به مسائل کار و سرمایه بود ولی سرانجام، قوانین مربوط به اقتصاد را گسترش داد و یک دنیای خیالی اقتصادی ساخت که از جنبه‌های دیگر، عاری بود و آن را به پیمودن راهی مخصوص و رسیدن به آینده‌ای تنفر آور محکم نمود. تئوری‌های اصلی او در مسائل اقتصادی، خواه آنچه راجع به "ارزش" گفته و خواه آنچه راجع به مسأله "تمرکز" متذکر شده بود، بوسیله متخصصان، مورد انتقاد قرار گرفت و از لحاظ علمی، باطل گردید و پیش بینی‌های مبتنی بر آن اصول نیز، هیچیک صورت واقع به خود نگرفت ولی اینجا هم نظریات اقتصادی تعمیم یافت و نام مارکسیسم به خود گرفت. مارکسیسم که متکی بر همان اصول منهدم شده می‌باشد، هنوز بر سر زبان‌ها است و متولیان دلباخته آن که تمام هستی خود را از راه اعتلای این کلمه بدست آورده‌اند، نمی‌خواهند جسد بیجان و نام بی مسمای آن را دور بیندازند.

این دو نمونه، از مکاتبی بود که از راه تعمیم قانون جزئی، به مسائل اجتماعی رسیده بودند و درباره آن به مطالعه پرداخته، نظریاتی البته نادرست و ناکافی و غیر علمی اظهار داشته‌اند، بگذریم از این که تبلیغات خود آنها به خودشان لقب علمی داده و دیگران را از این نشان افتخار بی بهره ساخته است.

۲- راه متدولوژیک:

چنان که ذکر کردیم، به غیر از دسته‌ای که شرح داده شد،

دیگران، جامعه‌شناسی را به منزله یک علم مستقل مورد مطالعه قرار می‌دهند و اینک مختصری از اصطلاحات و نظریات آنها را یادآور می‌شویم.

جامعه‌شناسی به معنای اعم، عبارت از علم بررسی اجتماعات و درک قوانین آنهاست. مطالعه جامعه‌شناسی، درباره کلیه اجتماعات و مؤسسات است به منظور شناختن حدود و قوانین آنها.

به منظور نزدیک شدن اذهان به درک قوانین جامعه‌شناسی، نه تنها بررسی جوامع اولیه لازم است بلکه اجتماعات حیوانی نیز کیفیاتی را نشان می‌دهد که شباهت آنها در اجتماعات انسانی بسیار است، لذا مطالعه گله‌ها و کندوها لازم به نظر می‌رسد. گله، نمونه‌ای از جامعه بی تفاوت و مشترک المنافع و متساوی الحقوق با وظایف متساوی است. فقط در گله بعضی از آهوها، یکی از آنها، وظیفه خاص دیده بانی و محافظت را پیدا می‌کند. کندو، جامعه سرشتی است که از صورت بی تفاوت خارج شده و متشکل گردیده و در آن، وظایف تقسیم شده

است. این اجتماع، با تمام نظم و ترتیبی که دارد، غریزی است و اعمال آن برای زنبورها ناخودآگاه است. به همین ترتیب، بررسی واحدهای دیگر جامعه‌شناسی، تعقیب شده است که البته باید فرق جامعه‌شناسی و مؤسسه جامعه‌شناسی را دانست. مؤسسه جامعه‌شناسی در مقام تشبیه، به اعضا و

اندام‌های یک موجود شبیه است مثل خانواده و دولت که مستقلاً وجود ندارند بلکه هستی آنها وابسته به واحدهای جامعه‌شناسی است، در صورتی که واحد جامعه‌شناسی، خود مستقلاً وجود دارد و مؤسسات بسیار را شامل می‌گردد.

بررسی واحدها برای جامعه‌شناسی بشری، دو اصطلاح را مشخص نموده است: قوم و ملت.

قوم، واحد اجتماعی ساده است که به شهادت تاریخ، صور بسیار متنوعی داشته است و ملت، آخرین فنومنی (پدیده) است که به منزله یک واحد جامعه‌شناسی، مورد مطالعه جامعه‌شناسان قرار گرفته است.

ملت، کامل‌ترین و عالی‌ترین پدیده زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی است که موجودیت واحد و قوانین مشخص دارد.

بررسی مؤسسات و پدیده‌های اجتماعی، بی‌آنکه اطلاعی از ملتی که مؤسسه یا پدیده اجتماعی، وابسته آن است، داشته باشیم، امکان‌پذیر نیست.

درست است که در جهان امروز باید افراد انسانی در سرنوشت آینده خود بوسیله مبارزات متشکل اجتماعی تأثیر نمایند ولی از آنجا که دنیای زنده و متمدن و با فرهنگ امروز در واحد ملت‌ها مستقر است، برای آشنایی به قوانین سیر اجتماع، راهی جز آشنایی به قوانین موجودیت

ملت، یعنی ناسیونالیسم نیست.

ناسیونالیسم در ساده‌ترین تعریف به معنی قوانین حیات ملت یا قوانین حفظ موجودیت ملت است و تمام عوامل و پدیده‌های اجتماعی، صرف نظر از قوانینی که ناشی از مطالعه تجریدی و اختصاصی آنها است، تابع این قوانین که بر کل وجود آنها حاکم است، می‌باشند.

جهان بینی ناسیونالیستی، تنها طرز تفکری است که هر پدیده تاریخی و اجتماعی را صرف‌نظر از مطالعه تجریدی و اختصاصی آن از حیث بستگی با قوانین کلی‌تر و ارتباط با حیات ملت نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

جهان بینی ناسیونالیستی، چه به سبب آنکه بهترین مفسر وقایع تاریخی است و چه به سبب آنکه وقایع قرن اخیر را به بهترین صورت توجیه می‌کند، در عصر ما، بهترین و عالی‌ترین مکتب راهنمای مبارزات ملی است.

اختصاص عصر ما در این است که به علم، به ناموس حیاتی ملت‌ها یعنی ناسیونالیسم، پی برده است و امروز مردم با آگاهی بر قوانین حیاتی ملت یعنی واحد کلی که هستی آنها را در بر گرفته است، می‌توانند به بهترین وجه در آینده خود تأثیر نمایند و از این رو، عصر ما را باید عصر آگاهی بر ناسیونالیسم نام گذارد. اگر در اعصار گذشته به علت عدم اطلاع بر قوانین اجتماع موفقیت‌ها و پیروزی‌های اجتماعی به شانس و تقدیر

تأویل می‌شد و نهضت‌های ناسیونالیستی در لباس‌های گوناگون جلوه می‌کرد، حق نیست که در این عصر نیز ما نیاز ملت خود را به صورتی غیر صریح و به نامی دیگر بیان کنیم.

فلسفه ناسیونالیستی در عصر ما، دو موفقیت بزرگ کسب کرده است. نخست آنکه در زمینه فلسفه تاریخ، با روشن‌ترین وجهی، کیفیات تاریخی را تعبیر و تفسیر نموده و نشان داده است که با منظور داشتن عامل نیاز ملی، می‌توان به حقیقت و کنه وقایع تاریخی پی برد و تناقضاتی که در تفسیر وقایع تاریخی بوسیله مکاتب دیگر پیش می‌آید، در این مکتب راه ندارد و حتی آن وقایع تاریخی که در بادی امر، دور از موازین ناسیونالیستی به نظر می‌رسد و ظاهراً غلبه عملی تئوری‌های دیگر را نشان می‌دهد، چون خوب بکاویم و نتایج حتمی آن را در نظر آوریم، بوسیله جهان بینی ملی و ناسیونالیستی قابل توجیه و تعبیر است:

مثلاً، پیروزی انقلاب اکتبر، نباید به غلط نتیجه پیروزی تئوری‌های خیالی مارکس تعبیر شود بلکه آن انقلاب و آن موفقیت نیز از حدود ناموس زوال‌ناپذیر تاریخ خارج نبود. ملتی برخاست و عوامل ضعف و تیره‌روزی خود را نابود کرد و مستعمرات گردنکش خویش را بار دیگر، مطیع و مغلوب نمود. روسیه به هنگام انقلاب، نه تنها منتظر ایجاد مخروط رؤیایی مارکس (کارل یهودی معتقد بود که مالکان و سایل تولید، رفته

رفته محدود می‌شوند و بنای جامعه سرمایه داری مانند مخروطی که از رأس بر زمین قرار گرفته باشد، محکوم به سقوط است و لذا در کشوری که چنین مخروطی ایجاد شود، انقلاب خواهد شد) نشد بلکه با استفاده از زبده نیروهای ملی، مخصوص انبوه استقلال طلبان ملل اسیر روسیه به قیام علیه تزارها اقدام کرد ولی پس از موفقیت، نیروی متشکل ملت روس علیه ملل مستعمره قیام کردند، اینبار به جای سربازان تزاری، سپاهیان ارتش سرخ، استقلال طلبان ملل اسیر را قلع و قمع کردند و باز شهرهای بادکوبه و بخارا و سمرقند را علیرغم امیال ساکنان آنها به زنجیر اسارت کرملین کشیدند.

موفقیت دوم جهان بینی ناسیونالیسم در عصر ما، آگاهی و قوفی است که در پرتو تعلیمات آن آشکار گشته است. نهضت ناسیونالیسم به معنی استقلال طلبی ملت‌ها، داعیه جدیدی نیست و سراسر تاریخ، مشحون از وقایعی است که این حقیقت را بیان می‌کند الا اینکه این نهضت تا پیش از عصر ما راه خود را در وادی نا آگاهی پیموده و چه بسیار از جریان‌های ملی که در چهره جنبش‌های دیگر جلوه کرده است، مانند جنبش شیعه در ایران عصر صفویه و جنبش تیتو در عصر کنونی که یکی صورت مذهبی و دیگری جنبه مسلکی دارد ولی در حقیقت، بستر این جنبش‌ها را روح ناسیونالیستی تشکیل می‌دهد. این ناآگاه و غیر مستقیم بودن جنبش‌های ناسیونالیستی، هرچند در

هنگام وقوع تنها راه ممکن بوده است، ولی ضمناً معایبی نیز داشته که پس از مدتی، ایجاد انحرافات می‌نموده، به عبارت دیگر، می‌توان گفت که این نهضت‌ها گرایش به سوی ناسیونالیسم دارند ولی نمونه کامل آن نیستند.

اما عصر ما و موقعیت ایران، بخوبی ایجاب می‌کند، که بنای یک نهضت به تمام معنی ناسیونالیستی را پایه گذاریم زیرا علیرغم دشمنان بزرگ افکار ناسیونالیستی، یعنی کلیه دول بزرگ دنیای امروز، ملت‌ها هر روز قدم بزرگتری به سوی استقلال و وحدت و عظمت خود بر می‌دارند و امروز در سراسر جهان، جنگ میان ملت‌هایی که استقلال خود را می‌ج.یند و جهان‌خوارانی که آزادی ملت‌ها را به ضرر خود می‌یابند، درگیر است و هر روز تظاهری واضح‌تر از احکام ناسیونالیسم عیان می‌شود و افکار و عقاید بدین مکتب‌رهای بخش، آشنا تر می‌گردد.

فریاد ملل استقلال طلب، چه آنها که یوغ اسارت انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها را به گردن دارند و چه آنهایی که اسیر رژیم ملت‌کش روسیه هستند، سراسر جهان را فرا گرفته است. هنوز فریاد استقلال‌طلبی و آزادی خواهی ملل اسیر روسیه، گاه‌گاه از پس دیوارهای آهنین به گوش می‌رسد، ولی امپراتوری‌ها و ساکنان کاخ کرملین و کاخ سفید، می‌کوشند تا این نداها را خاموش کنند.

هنگام وقوع تنها راه ممکن بوده است، ولی ضمناً معایبی نیز داشته که پس از مدتی، ایجاد انحرافات می‌نموده، به عبارت دیگر، می‌توان گفت که این نهضت‌ها گرایش به سوی ناسیونالیسم دارند ولی نمونه کامل آن نیستند.

اما عصر ما و موقعیت ایران، بخوبی ایجاب می‌کند، که بنای یک نهضت به تمام معنی ناسیونالیستی را پایه گذاریم زیرا علیرغم دشمنان بزرگ افکار ناسیونالیستی، یعنی کلیه دول بزرگ دنیای امروز، ملت‌ها هر روز قدم بزرگتری به سوی استقلال و وحدت و عظمت خود بر می‌دارند و امروز در سراسر جهان، جنگ میان ملت‌هایی که استقلال خود را می‌ج.یند و جهان خوارانی که آزادی ملت‌ها را به ضرر خود می‌یابند، درگیر است و هر روز تظاهری واضح‌تر از احکام ناسیونالیسم عیان می‌شود و افکار و عقاید بدین مکتب‌رهای بخش، آشنا تر می‌گردد.

فریاد ملل استقلال طلب، چه آنها که یوغ اسارت انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها را به گردن دارند و چه آنهایی که اسیر رژیم ملت‌کش روسیه هستند، سراسر جهان را فرا گرفته است. هنوز فریاد استقلال‌طلبی و آزادی خواهی ملل اسیر روسیه، گاه‌گاه از پس دیوارهای آهنین به گوش می‌رسد، ولی امپراتوری‌ها و ساکنان کاخ کرملین و کاخ سفید، می‌کوشند تا این نداها را خاموش کنند.

برای آنکه ملت‌ها در خواب غفلت بمانند و از حقوق خداداد خود بیخبر باشند، تئوری سازان کرملین یا بلوک غرب، داستان‌های بسیار ساخته‌اند که بعضی از آنها، افسانه صلح و افسانه جنگ طبقاتی است.

ملت ما که در جریان مبارزات اخیر، بیدار شده است، اینک لازم است برای تکمیل قیام ضد بیگانه و بیگانه پرستی خود بر اساس محکمی اتکا کند و نهوه تأثیر خود را در دنیای آینده تشخیص دهد.

امروز، اهمیت این مسأله و لزوم پی ریزی یک نهضت قوی بر همه آشکار شده است و همه جا سخن از قوی ساختن و نظام بخشیدن به نهضتی است که تاکنون به اتکا به شور و هیجان و با نداشتن شکل کامل، راه خود را پیموده است و اتفاقاً نکته بسیار مهم نیز این است که در همین مرحله باید دچار اشتباه نشویم و اساس فکری نهضت عظیم ملت ایران را بر اساسی که حقاً شایسته است، استوار کنیم. امروز روزی نیست که برای احقاق حقوق ملت خود، نقاب یک عقیده غیر ملی را به صورت بزنیم، شایسته نیست که در این موقعیت مناسب، ما از ترس تبلیغات دیگران به خواست‌های ملت خود قبای دیگری بپوشانیم و یا به عبارت صحیح‌تر، خواست ملت خود را در لوای دفاع از مدهای سیاسی، معدوم نماییم.

ما درگر فرصت آزمودن عقاید دیگران را نداریم و نباید ایران را به یک آزمایشگاه جامعه‌شناسی تبدیل کرد.

ایرانی، پس از دو‌یست سال تحمل بدبختی و شنیدن دروغ‌های تاریخی و سیاسی، امروز باید با حقایق آشنا شود و خواست‌های خود را صریحاً بیان کند.

امروز دنیا به ما اجازه می‌دهد که ناسیونالیسم ایران، یعنی قوانین حفظ موجودیت ملت ایران را به صورت یک آرمان مشترک ملی مورد تبلیغ قرار دهیم و ایرانیان را در جریان مبارزات شایسته‌ی زیست سرافراز خود وارد سازیم. ما باید برای حفظ حقوق ملت خود و برای احقاق حقوق از دست رفته‌ی ایران، آماده شویم.

آری، می‌توانیم آینده‌ی خود را آنچنان که آرزوی قلبی هر ایرانی است به وجود آوریم و باید که برای رسیدن به آن آینده‌ی پر افتخار بکوشیم ولی برای مؤثر شدن در آینده، نخست این نکته را باید بدانیم که راهی جز ناسیونالیسم نیست.

"ضد استعمار"

نشریه داخلی حزب پان ایرانیست
حاوی نظرات حزب «پان ایرانیست» پیرامون مسائل
سیاسی روز؛
سرورانی که تا حال موفق به دریافت نشریه نشده‌اند،
می‌توانند جهت اشتراک یا نشانی:
تهران - صندوق پستی ۳۳۹-۱۷۸۴۵ مکاتبه نمایند.

ایران بزرگ آرمان بزرگ می‌خواهد

ایران! ایران! ایران! ای کشور آریان!
نامت به جاست و مهرت در دل ما،
بدبخت تر از خائن تو اهریمنی نیست.
خوشبخت تر از سرباز تو، شهید تو، کیست؟

قیمت کتاب: ۵۰۰ ریال

تهران - صندوق پستی

۱۷۸۴۵-۳۳۹